

**The Software Roles of Wilayat al-Faqih and Governmental Jurisprudence
in the Formation of the New Islamic Civilization**

Received: 11/12/2021

Accepted: 07/03/2022

Sayyid Ahmad Khatami*/ Mohammad Hassan Dehghan**/ Reza Moghiseh***

(52-73)

According to the thought of Imam Khamenei, formation of the new Islamic civilization is the ultimate goal of the Islamic Revolution. On the other hand, at the time of the Major Occultation and based on the theory of Wilayat al-Faqih, being an Islamic government and as a result the formation of the new Islamic civilization depends on the sovereignty of Wali al-Faqih and the realization of this important issue is possible in the light of utilizing governmental jurisprudence. However, the question is: What are the roles of Wilayat al-Faqih and governmental jurisprudence in the formation of the new Islamic civilization in the thought of Imam Khamenei? The present article aims at describing the role of governmental jurisprudence and Wilayat al-Faqih in the formation of the new Islamic civilization based on the thought of the Supreme Leader of the Revolution, to do so, this role was analyzed in the thought of Ayatollah Khamenei by using thematic and content analysis method. The findings show that in the intellectual system of Imam Khamenei, as Wilayat al-Faqih and governmental jurisprudence approach were necessary and fundamental in the realization of the first and second stages of the Islamic Revolution (Revolution and Islamic System), they play basic and fundamental roles in the realization of the last stage of the five stages of the Revolution, i.e. the new Islamic civilization.

Keywords: Governmental Jurisprudence, Wilayat al-Faqih, New Islamic Civilization.

* Professor of Qom Seminary, Qom, Iran.

** Assistant Professor of Management, Higher National Defense University, Tehran, Iran- dehghanjamali@gmail.com.

*** Ph.D. in Future Studies, Higher National Defense University, Tehran, Iran- rema59@chmail.ir (corresponding author).



نقش نرم‌افزاری ولایت فقیه و فقه حکومتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

سیداحمد خاتمی*

محمدحسن دهقان**

رضا مقیسه***

(۷۳-۵۲)

چکیده

مطابق اندیشه امام خامنه‌ای داماد، تشکیل تمدن نوین اسلامی، هدف غایی انقلاب اسلامی است. از سوی دیگر در دوران غیبت کبری و بر پایه نظریه ولایت فقیه، اسلامی بودن حکومت و به دنبال آن شکل‌گیری تمدن اسلامی نوین، منوط به حاکمیت ولی فقیه است که تحقق این مهم نیز در پرتو بهره‌گیری از فقه حکومتی امکان‌پذیر است. پرسش این است که در منظومه اندیشه امام خامنه‌ای داماد، «ولایت فقیه» و «فقه حکومتی» چه نوع نقشی در «تشکیل تمدن نوین اسلامی» دارند؟

هدف مقاله توصیف میزان نقش «فقه حکومتی» و «ولایت فقیه» در «تمدن‌سازی نوین اسلامی» بر پایه اندیشه رهبر معظم انقلاب است، که برای این منظور با بهره‌گیری از روش تحلیل مضامین، به واکاوی این نقش در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌ایم.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در منظومه فکری امام خامنه‌ای داماد، همان‌گونه که ولایت فقیه و رویکرد فقه حکومتی در تحقق مرحله اول و دوم انقلاب اسلامی (انقلاب و نظام اسلامی)، ضروری و زیرساختی بوده‌اند، در تحقق آخرین مرحله از مراحل پنج‌گانه انقلاب، یعنی تمدن نوین اسلامی نیز نقش اساسی و محوری دارند.

واژگان کلیدی: فقه حکومتی، ولایت فقیه، تمدن نوین اسلامی

* استاد حوزه علمیه قم، قم، ایران.

** استادیار مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران - dehghanjamali@gmail.com

*** دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران - rema59@chmail.ir (نویسنده مسئول).

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه شکل‌گیری حکومتی اسلامی و مبتنی بر نظریه ولایت فقیه فراهم آمد. به فرموده رهبر معظم انقلاب «امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند» (بیانات امام خامنه‌ای در مرقده مطهر حضرت امام خمینی علیه السلام در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۴).

امام خامنه‌ای داماد، شکل‌گیری این انقلاب را اولین مرحله از تحقق اهداف پنج‌گانه انقلاب اسلامی می‌داند و شکل‌گیری تمدن اسلامی را هدف غایی این انقلاب برشمرده‌اند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۶).

باتوجه به اینکه ولایت فقیه شالوده شکل‌گیری انقلاب به‌شمار می‌رود، آگاهی از جایگاه دو مقوله مهم ولایت فقیه و فقه حکومتی در شکل‌گیری تمدن اسلامی اهمیت بسزایی دارد. بنابراین پرسش اصلی این نوشتار این است که در منظومه اندیشه امام خامنه‌ای «ولایت فقیه» و «فقه حکومتی» چه جایگاه و نقشی در «تشکیل تمدن نوین اسلامی» دارند؟

روش تحقیق در این مقاله، تحلیل مضامین بیانات معظم‌له با روش «تحلیل مضامین» به‌عنوان روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی است.

برای جامعه و نمونه آماری از بین سخنرانی‌های معظم‌له، ۲۷ سخنرانی طوری انتخاب شده‌اند که موضوعات اصلی تحقیق یعنی «ولایت فقیه»، «فقه حکومتی» و «تمدن اسلامی» را به‌طور برجسته در چهارجوب هدف و سؤال تحقیق نشان دهند.

جدول ۱. نمونه آماری بیست‌وهفت‌تایی بیانات در طول تاریخ حدود ۲۷ سال

۶۸ تا ۷۸ (دوازده سخنرانی)	۷۹ تا ۸۷ (هفت سخنرانی)	۸۹ تا ۹۶ (هشت سخنرانی)
۱۳۶۸/۴/۱۹ - ۱۳۶۹/۴/۲۰ - ۱۳۶۸/۹/۲۹	۱۳۷۹/۹/۱۲	۱۳۸۹/۷/۲۹ - ۱۳۹۰/۶/۱۷
۱۳۷۰/۱۱/۳۰ - ۱۳۷۱/۸/۲۴ - ۱۳۷۲/۳/۱۴	۱۳۸۳/۳/۱۴	۱۳۹۰/۷/۲۴ - ۱۳۹۱/۷/۲۳
۱۳۷۳/۱/۱ - ۱۳۷۵/۲/۱۸	۱۳۸۳/۳/۲۱ - ۱۳۸۳/۸/۶	۱۳۹۲/۱۱/۱۹ - ۱۳۹۲/۶/۱۴
۱۳۷۶/۲/۶ - ۱۳۷۶/۴/۱۳ - ۱۳۷۶/۳/۱۴	۱۳۸۴/۶/۸ - ۱۳۸۵/۸/۱۷	۱۳۹۳/۹/۶ - ۱۳۹۵/۲/۶
۱۳۷۷/۱۲/۴	۱۳۸۷/۷/۷	

واحدهای تحلیل مضمون از سخنرانی معظم‌له طوری انتخاب شده‌اند که اولاً در چهارچوب هدف و سؤالات تحقیق، همه سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ را پوشش دهند و ثانیاً واحدهای هر مضمون فقط از یک سال انتخاب نشده‌اند که منحصر به زمان و مکان خاص باشند. این ملاحظات، روایی و پایایی تحقیق را افزایش داده است.

ادبیات و مبانی نظری

درباره سه مؤلفه اصلی این نوشتار، یعنی فقه حکومتی، ولایت فقیه و تمدن نوین اسلامی دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. بنابراین برای دستیابی به اهداف این نوشتار، پیش از هر چیز تبیین این مفاهیم ضروری است.

ولایت فقیه

«ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۵۱). «عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است» (همان: ۵۴). بنابراین ولایت فقیه «نوعی ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی و شکوفا ساختن استعدادهای افراد جامعه و رساندن آنان به کمال و تعالی درخور خویش می‌باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

یکی از برداشت‌های ناصحیح از ولایت فقیه این است که برخی حاکم و ولی فقیه را صرفاً معادل ولایت فقیه می‌دانند و در همین حد توقف می‌کنند، درحالی‌که ولایت فقیه نظریه و ایدئولوژی مدیریتی برای اداره جوامع است که ولی فقیه در چهارچوب آن به نحو مناسب، اعمال حاکمیت هم می‌کند. «پایین‌ترین سطح مدیریت فقیه را باید اعمال مدیریت مالی وجوهات شرعیه دانست که اعم از خمس، زکات، کفارات، نذورات، صدقات و بعضاً دیات می‌باشد؛ ... اما عالی‌ترین و وسیع‌ترین محدوده، همان محدوده مدیریت کامل و کلان جامعه است که یک مدیریت سیاسی و حاکمیتی است» (قوامی، ۱۳۹۱: ۳۴).

فقه حکومتی

«فقه حکومتی» نگرشی کل‌نگر و ناظر بر تمام ابواب فقه است. در این نگاه، باید استنباط‌های فقهی براساس فقه اداره نظام اجتماعی انجام شود و تمامی ابواب فقه، ناظر به امور اجتماع و اداره کشور باشد. در واقع «فقهی که احکام افعال حکومت را بیان می‌کند، فقه حکومتی است» (اراکی، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۴).

خاستگاه فقه حکومتی ریشه در اصلی‌ترین هدف خلقت انسان دارد. خداوند با عبودیت و پابندی مردم در همه ابعاد زندگی به دین، مبتنی بر فقه اسلامی می‌خواهد فیوضات خود را بر مردم وارد نماید و اگر مردم دسته‌جمعی و با جمعیت بیشتری به سمت خدایی شدن حرکت کنند، خداوند آنان را بیشتر دوست می‌دارد و بیشتر مورد تقصد و ترحم و تنعم قرار می‌گیرند؛ آیات «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ»^۱ و «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ»^۲ اینکه می‌فرمایند «اگر تعداد نمازگزاران بیشتر از ده نفر شود، چنانچه دریا‌های آسمان‌ها و زمین همگی مرگب و درختان، قلم و جن و انس به همراه فرشتگان کاغذ شوند، نخواهند توانست ثواب تنها یک رکعت از نماز جماعت را بنگارند» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۴۴۳)، همه اینها منطقتشان این است که اگر باهم به سمت خدا برویم، خدا بیشتر دوست دارد و بیشتر تفضل و برکت می‌دهد.

از دیدگاه امام خمینی فقه و حکومت همه ابعاد زندگی انسان را به لحاظ زمانی، فردی و جمعی شامل می‌شود؛ «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۸). از این رو، گستره‌ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد، همه ابواب و مسائل فقه خواهد بود؛ زیرا اجتماع و نظام اسلامی، شئون و زوایای مختلفی دارد؛ حوزه اقتصاد، فرهنگ، حقوق، سیاست، امور بین‌الملل و مسائلی از قبیل مسائل نظامی، انتظامی، خانواده، احوالات شخصیه و تمامی

۱. «در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مانده: ۲).

۲. «ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید» (نور: ۳۱).

مسائل مربوط به زندگی بشری در مقوله مادی و معنوی، دنیوی و اخروی. فقیه باید همه این مسائل را بنابر رفع نیازهای اجتماع و نظام اسلامی مورد بررسی قرار دهد (مشکانی، ۱۳۹۰).

تمدن‌سازی اسلامی

تمدن‌سازی یعنی «مَدَنَ بِالْمَكَانِ» و به معنای اقامت گزیدن در جایی گرفته شده است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۲۰۱). شهر را از آن جهت مدینه گویند که مردم، آن را به‌عنوان مکانی برای زندگی خود برمی‌گزینند. بر همین اساس این کلمه معادل واژه شهرآیینی و به معنای حسن معاشرت است (جان‌احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴). البته رابطه میان شهر و تمدن، رابطه جزء و کل است، نه ظرف و مظهر. بنابراین اگرچه تمدن از مدینه به معنای شهر ریشه می‌گیرد، در اصل، شهر معلول تمدن است، نه علت آن؛ یعنی به‌واقع شهر جزء تمدن است (برنال، ۱۳۵۴: ۸۶).

از این رو تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که پایه و اساس آن بر محور دین اسلام قرار دارد و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از دین و اصول دینی، اخلاق، علم، عدالت و قواعد و مقررات. مدینه‌النبی بر اساس همین ارکان و مؤلفه‌ها شکل گرفت (جان‌احمدی، ۱۳۸۶: ۵۲). در واقع تمدن صورت خاص و مادی زندگی مردم بر مبنای فرهنگ و تفکر است. به عبارت دیگر تمدن نمودهای مجموعه آداب و رسوم و سنن و رفتار و کردار و علم و فنون و صنایعی است که از اصول و مبانی فرهنگی خاص منبعث است (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۲۷).

از همین رو اسلام پایه‌گذار امت و تمدن بزرگ اسلامی در جهان است و قابلیت حکومت تمدنی نیز دارد. «اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به هیچ وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفتی نداشته و ندارد. اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۰۴).

در مجموع از ادبیات تحقیق می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که تحقق اهداف بزرگی مثل تشکیل امت و تمدن اسلامی در جهان معاصر، نیازمند ولایت فقیه و نرم‌افزاری متناسب برای آن است و فقه حکومتی برترین و بهترین نرم‌افزار توسعه انقلاب در ایجاد تمدن اسلامی در جهان می‌باشد (مشکانی، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۱۸).

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

باتوجه به ادبیات تحقیق، ۴۱ واحد تحلیل از ۲۷ سخنرانی امام خامنه‌ای داماد در قالب شبکه مضامین استفاده شده‌اند:

جدول ۲. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر در یک نگاه

مضمون فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های اصلی	فراوانی کد	
«ولایت فقیه» و «فقه حکومتی» در ساختن «تمدن نوین اسلامی» نقش بنیادین دارد	ولایت فقیه مکتب مدیریتی است.	ولایت فقیه، حکومت فقه است.	۴	
		فقه حکومتی نرم‌افزار مدیریت جامعه است.	ولایت فقیه، از نوع مدیریت کلان است.	۳
			فقه حکومتی قبلاً منزوی بوده و الآن نوین است.	فقه حکومتی قبلاً منزوی بوده و الآن نوین است.
	فقه حکومتی لازمه ولایت و مدیریت جامعه است.			فقه حکومتی لازمه ولایت و مدیریت جامعه است.
		فقه حکومتی حلال مسائل حال و آینده جامعه است.		۱
	تمدن‌سازی اصالتاً امری فکری، فرهنگی و نرم‌افزاری در سطح وسیع است	فقه حکومتی عامل اصیل حیات طیبه اسلامی است.		فقه حکومتی عامل اصیل حیات طیبه اسلامی است.
			هدف غایی انقلاب اسلامی، تمدن‌سازی است.	۶
		تمدن‌سازی اصالتاً امری فکری، فرهنگی و نرم‌افزاری در سطح وسیع است	ماهیت تمدن‌سازی کار فکری و فرهنگی است.	۴
			اسلام برترین فکر و فرهنگ برای تمدن‌سازی است.	۴
			فقه حکومتی عامل اصلی تمدن‌سازی اسلامی است.	۲
	تمدن‌سازی اصالتاً امری فکری، فرهنگی و نرم‌افزاری در سطح وسیع است	ولایت فقیه دارای نقش مدیریتی در تمدن‌سازی است.	ولایت فقیه دارای نقش مدیریتی در تمدن‌سازی است.	۲

ولایت فقیه؛ حکومت فقه

آیت‌الله خامنه‌ای جنس ولایت فقیه را جنس نظری و معیاری و محتوایی اسلام بر اجزای جامعه و دولت و... می‌داند:

اگر جامعه مدنی به معنای جامعه مدینه‌النبی است، قاعدتاً ولایت فقیه در جامعه

مدینه‌النبی، در رأس همه امور است؛ چون در مدینه‌النبی، حکومت، حکومت دین است و ولایت فقیه هم به معنای ولایت و حکومت یک شخص نیست؛ حکومت یک معیار و در واقع یک شخصیت است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۴).

ولایت فقیه؛ به مثابه مدیریت کلان

از دیدگاه امام خامنه‌ای سطح ولایت و رهبری در نظریه ولایت فقیه، سطح اجرایی خرد و جزئی نیست، بلکه یک مدیریت کلان است:

رهبری یک مدیریت است. البته مدیریت اجرایی نیست. این اشکال و اشتباه هم در طول زمان، از اول انقلاب تا امروز، در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. این جور تلقی کنند که رهبری یک مدیریت اجرایی است. نه، مدیریت اجرایی، مشخص است. مدیریت اجرایی در بخش قوه مجریه ضوابط مشخصی دارد، معلوم است، مسئولین معینی دارد. در قوه قضائیه هم که آن هم مدیریت اجرایی است همین طور. هر کدام مسئولیت‌هایی دارند. قوه مقننه هم که معلوم است.

رهبری، ناظر بر اینهاست. به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند. در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. ... این مسئولیت بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرایی نیست. بله، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۴).

از دیدگاه ایشان، ولایت فقیه جنبه تشریفاتی ندارد، بلکه «ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است. این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه، نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت‌کننده است؛ آن طوری که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند؛ نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسئولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخ‌گوی مسئولیت‌های خود باشند. ... پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت

هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است» (بیانات امام خامنه‌ای در پانزدهمین سالگرد امام خمینی علیه السلام در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۴).

معظم‌له ولایت فقیه را یک مجموع و دستگاه می‌دانند نه فقط یک فرد تنها:

بعد مهمی از قید اطلاق که امام منضم کردند به ولایت فقیه - که در قانون اساسی اول قید «مطلقه» نبود؛ این را امام اضافه کردند- ناظر به همین است؛ یعنی انعطاف‌پذیری. دستگاه ولایت که دستگاه عظیم ولایت، یعنی درواقع مجموعه آن دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر - که در رأس رهبری قرار دارد؛ اما مجموعه، یک مجموعه است - باید بتواند به‌طور دائم خودش را پیش ببرد، متحول کند؛ چون تحول جزو سنت‌های زندگی انسان و تاریخ بشری است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۷).

فقه حکومتی؛ نرم‌افزار مدیریت ولایت فقیه برای اداره جامعه

امام خامنه‌ای تاکنون در چهار سخنرانی مستقلاً و صراحتاً بر تبیین و مطالبه خودشان بر فقه حکومتی تأکید نموده‌اند که آخرین بار ایشان در ۱۳۹۰/۶/۱۷ بر مطالعه عمیق و کاربردی در خصوص فقه حکومتی تأکید فرمودند:

در قم باید درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نوبه‌نورا که هی برای ما دارد پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد؛ بعد این بحث‌ها می‌آید دست روشن‌فکران و نخبگان گوناگون دانشگاهی و غیردانشگاهی، اینها را به فرآورده‌هایی تبدیل می‌کنند که برای افکار عموم، برای افکار دانشجویان، برای افکار ملت‌های دیگر قابل استفاده است. این کار بایستی انجام بگیرد، ما این را لازم داریم (همان).

فقه حکومتی: برون‌رفت از انزوا

شیعه به دلیل غیبت امام زمان علیه السلام و نداشتن حکومت، گرایش به فقه فردی دارد و امام خمینی علیه السلام با طرح و عمل به فقه حکومتی توانستند فقه شیعه را از فقه فردی به سمت حل مسائل مردم و فقه حکومتی سوق دهند:

امام خود را از این آفت مبرا کرد. به خاطر طول سال‌هایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه، در دنیای اسلام به قدرت و حکومت دسترسی نداشتند و فقه شیعه، یک فقه غیر حکومتی و فقه فردی بود، امام بزرگوار، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی کشاند. ...

امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند (بیانات امام خامنه‌ای در مرقد مطهر حضرت امام خمینی علیه السلام در تاریخ ۱۴/۳/۱۳۷۶).

فقه حکومتی؛ حلال مسائل حال و آینده جامعه

بر اساس اندیشه امام خامنه‌ای علیه السلام، برخلاف نظریه‌های مدیریتی دنیای معاصر و خصوصاً نظریه‌های مدیریتی غربی، ولایت فقیه و فقه حکومتی ریشه در نظریه‌های شخصی و دست‌ساز فردی ندارد، بلکه ولایت فقیه و فقه حکومتی ریشه در قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام دارد و قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای مردم در زمان‌های مختلف بدون تحجر و توجه صرف به ظواهر است.

تحجر این است که کسی که می‌خواهد کار بزرگی را با این عظمت انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف حکم نماید و کار کند و پیش برود. این، امکان‌پذیر نیست. معنای تحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه‌به‌لحظه است نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد (همان).

فقه حکومتی؛ عامل اصیل حیات طیبه اسلامی

منظور امام خامنه‌ای از فقه حکومتی، فقهی است که احکام اجتماعی و فردی را ناظر به مسئله حکومت و حاکمیت کلان جامعه اسلامی شامل شود:

فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست. فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است: فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً. فقه الله الأكبر این است. آن چیزی که زندگی انسان را اداره می‌کند، یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی فقه است (پیام امام خامنه‌ای به جامعه مدرسین حوزه در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۴).

روی آوردن به فقه حکومتی و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت، و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام، در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی، امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است (پیام امام خامنه‌ای به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۴).

ما در طول زمان، به دین و فقه به‌عنوان قالب و شکلی برای حکومت نگاه نکردیم. ما در دوران‌های گذشته، گروه محکومی بودیم. ... ما در طول زمان، به دین و فقه به‌عنوان قالب و شکلی برای حکومت نگاه نکردیم (بیانات امام خامنه‌ای در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

تصریح می‌شود که با توجه به بیانات فوق، در مجموع می‌توان شاخصه‌های فقه حکومتی را به‌صورت ذیل استنتاج کرد:

فقه حکومتی، فقه اداره حکومت و همه جوامع است و فقه فردی را هم شامل می‌شود؛ فقه حکومتی حتی در حوزه فردی تک‌ساحتی نیست و مشتمل بر همه جوانب زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، عبادی، نظامی و اقتصادی است؛ در فقه حکومتی دین و فقه، هم قالب و شکل و هم محتوا برای حکومت در همه زمان‌هاست؛

با رویکرد فقه حکومتی، فقها و ولایت فقیه با ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام بر تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی، احکام را صادر می‌کنند؛ فقیه باید در عمل نیازهای لحظه‌به‌لحظه ملت و نظام و کشور را علاج کند.

تمدن‌سازی؛ امری فکری، فرهنگی و نرم‌افزاری در سطح وسیع

همان‌طور که در قسمت ادبیات موضوع اشاره شد، جنس اصلی تمدن از وحدت ملت‌ها و امت‌ها ذیل اعتقادات و تفکرات واحد و یک‌پارچه است. از منظر امام خامنه‌ای دامنه‌ای، تمدن‌سازی به معنای کشورگشایی نیست، بلکه اثرگذاری فکری در همه ملت‌هاست: «تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست، بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار شورای عالی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۶).

ایشان ماهیت و پایه اصلی تمدن‌سازی را علم، فناوری و صنعت نمی‌دانند، بلکه ماهیت و ابزار اصلی و پایه‌ای آن را فرهنگ، بینش و معرفت اسلامی می‌دانند:

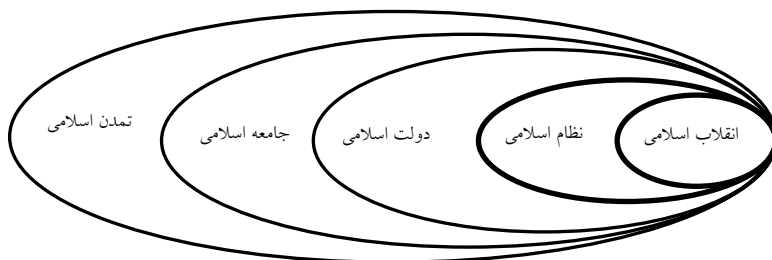
مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران - همچنان‌که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه‌چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم (پیام امام خامنه‌ای به مناسبت حلول سال در تاریخ ۱۳۷۳/۱/۱).

تشکیل تمدن نوین اسلامی؛ هدف غایی انقلاب اسلامی

در اندیشه امام خامنه‌ای دامنه‌ای، انقلاب اسلامی دارای پنج هدف است: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم؛ بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم؛ مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است؛ مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است؛ مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶). از دیدگاه معظم‌له، اکنون در مرحله سوم هستیم:

ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرایند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. ... بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. ... بعد از آن ... نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر،

تشکیل منش و روش دولتمردان. ... این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. ... مرحله چهارم، ... کشور اسلامی است. ... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. ... ما در مرحله سومیم. ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲).



ایشان تحقق اسلام در ابعاد نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی را از اهداف انبیاء^{علیهم‌السلام} می‌دانند که تدریجاً در حال شکل‌گیری است:

برای اینکه تفکر انبیاء^{علیهم‌السلام} در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد. جامعه اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل یک نظام اسلامی، بلکه تشکیل یک واقعیت و یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام، که لبّ لباب تعالیم انبیاست، زندگی می‌کنند و آثارش را احساس می‌کنند. این هدف ماست. خوب، ما به این هدف هنوز نرسیدیم. توقع هم نبود که در ظرف سی سال برسیم. این هدف، هدف خیلی طولانی‌مدتی است. باید تلاش کرد؛ باید کار کرد تا به این هدف رسید (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۷).

بنابراین از دیدگاه ایشان، شروع تحقق پنج هدف انقلاب اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی یکی است و به موازات همدیگر پیش رفته، اما تنها دو مرحله به پایان رسیده و سه مرحله دیگر به موازات در حال انجام است. ایشان در سال ۱۳۷۳ می‌فرمایند: «ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. ... نه اینکه ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم، بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است» (پیام نوروزی

امام خامنه‌ای به مناسبت حلول سال در تاریخ ۱۳۷۳/۱/۱). این در حالی است که ایشان پیشرفت همه‌جانبه اسلامی و خلاصه همه پیشرفت‌ها را ساخت «تمدن نوین اسلامی» می‌دانند:

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این جور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است... تمدن نوین اسلامی آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود (منظور سبک زندگی است). اینها متن زندگی است... خوب، می‌شود این بخش را به‌منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ایشان صراحتاً در سال ۱۳۹۰ بیان می‌کنند که «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد... هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۴).

ماهیت تمدن‌سازی: کار فکری و فرهنگی عمیق در سطح امت

فقه، علمی است که از منابع و سرچشمه‌های الهی، نظامات و آیین زندگی را برای جامعه و امت اسلامی کشف و وضع می‌کند. عامل اصلی این امر مهم، کار فکری و فرهنگی عمیق است. چنان‌که در اندیشه امام خامنه‌ای تصریح شد، تمدن‌سازی کشورگشایی و صدور کالا نیست، بلکه تمدن‌سازی نوین اسلامی با نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی و صدور فرهنگ، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی و فکری به سایر امم حاصل می‌شود: «صدور انقلاب به معنای صدور یک کالا نیست که به‌طور دائم، آن‌هم به‌وسیله اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسان‌ها را در اکتاف عالم، به خود جذب می‌کند» (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۷۲/۳/۱۴).

ایشان معتقدند صادرات غرب به عالم بیشتر جنگ افروزی، فساد، فحشا، اعتیاد و انواع و

اقسام بدبختی‌ها و روسپاهی‌هاست، ولی صادرات انقلاب اسلامی از جنس فکر و فرهنگ انسان‌سازی اسلامی است و کار در این راه اولاً تکلیف و ثانیاً افتخار است:

صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم. ... دنیای غرب و سردمداران فرهنگ فاسد و منحط غربی، از اینکه فساد و فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختی‌ها و روسپاهی‌ها را به سراسر عالم صادر می‌کنند، خجالت نمی‌کشند؟ ... چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟...

اگر صدور انقلاب به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است، این درست است و به آن نیز افتخار می‌کنیم. ما وظیفه خود می‌دانیم که با صدای بلند و توان بالا، مفاهیم و ارزش‌ها و احکام و معارف اسلامی را که مایه نجات ملت‌ها و مستضعفان و مظلومان است، اشاعه دهیم. ما احساس می‌کنیم که اگر به این تکلیف عمل نکنیم، مقصریم.

اگر ما اقدام به گسترش مفاهیم و ارزش‌های اسلامی و انقلابی هم نکنیم، طبیعت این مفاهیم و معارف آن است که مثل هوای لطیف و عطر گل‌های بهاری، خودبه‌خود در فضای ذهنیت جهان گسترش پیدا می‌کنند؛ چه دشمنان بخواهند و یا نخواهند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۹).

از منظر ایشان، دشمنی‌های دشمنان با تمدن‌سازی نوین اسلامی به این دلیل است که آنان فکر می‌کنند روش و منش تمدن‌سازی انقلاب اسلامی هم مثل روش‌ها و منش‌های خودشان است:

اینها خیال می‌کردند که ما برای صدور انقلاب لشکرکشی خواهیم کرد: یا لشکر نظامی یا لشکر امنیتی و اطلاعاتی؛ مثل خودشان که برای مقاصدشان لشکرهای امنیتی می‌فرستند؛ اما غافل از اینکه نه؛ ما، نه لشکر اطلاعاتی می‌خواهیم و نه لشکر نظامی، بلکه حرف ملت ایران و آن طرحی که ملت ما برای اداره ملت‌ها و جوامع به میان آورده، در دل ملت‌های مسلمان می‌نشیند و ملت‌های مسلمان به‌طور

طبیعی علاقه‌مند و طرفدار ملت ما می‌شوند، که هستند و شدند و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شوند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷).

ایشان بسیج را نمونه‌ای از محصولات و کارکردهای صدور انقلاب اسلامی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌دانند:

بسیج یک اندیشه است، یک فکر است، یک منطق است، یک منظومه فکری است. ... این صادر شده. بارها گفتیم مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است. هیچ‌کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد. پخش می‌شود؛ همه جا می‌رود. ... این تفکر در لبنان دارد فعالیت می‌کند، در عراق دارد فعالیت می‌کند؛ جوان‌های عراقی حرکت کردند، همراه ارتششان شدند، توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین جور، در غزه همین جور، در فلسطین همین جور، در یمن همین جور، ان‌شاءالله در قدس شریف و برای نجات الاقصی هم همین جور (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مجمع عالی بسیج در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۶).

اسلام؛ برترین محتوای فکری و فرهنگی برای تمدن‌سازی

به عقیده امام خامنه‌ای زمانی دولت و جامعه اسلامی و به تبع امت اسلامی شکل می‌گیرد که فکر و عمل همگان و از همه مهم‌تر دولتمردان، بر اساس معارف و اعتقادات اسلامی باشد: اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست. باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نُکس می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. ... من چهار - پنج سال پیش همین جا، در حسینیّه، این مطلب را با مجموعه کارگزاران مطرح کردم. گفتیم انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و بعد کشور اسلامی.

اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت‌مان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم

که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم: «لوموا انفسکم». اول ما اسلامی می‌شویم. وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السننکم». آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دولت در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸).

بنابراین اگر قرار باشد فرهنگ، فکر و اعتقادات و معارف اسلامی محتوای تمدن نوین اسلامی را شکل دهد، تا زمان غیبت امام معصوم، تنها در سایت ولایت فقیه و در چهارچوب فقه حکومتی می‌توان این هدف بزرگ را محقق ساخت. چنان‌که اشاره شد، تنها با رویکرد، دانش و روش فقه حکومتی است که می‌توان «در همه شئون یک حکومت، و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام»، به سمت «تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی» پیش رفت.

فقه حکومتی؛ اساسی و زیرساختی در تمدن‌سازی

بر پایه آنچه گفته شد، ایجاد تمدن نوین اسلامی و تشکیل حکومت برخاسته از احکام شریعت و در چهارچوب آموزه‌های دینی، دو روی یک سکه‌اند؛ همچنان‌که فقه حکومتی نیز ابزاری برای تحقق حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود. بنابراین فقه حکومتی را باید زیرساخت ایجاد تمدن نوین دانست. از منظر معظم‌له «روی آوردن به فقه حکومتی و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت، و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام، در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است» (پیام امام خامنه‌ای به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۴).

همچنان‌که تحقق جامعه و تمدن اسلامی نیازمند فقها و به‌خصوص ولایت فقیه است، فقاهت نیز نیازمند فقهی است که جامع و کامل باشد؛ فقهی که برای این اهداف بزرگ جامع و حداکثری همان فقه حکومتی است؛ یعنی فقها و ولایت فقیه، تنها در بستر فقه

حکومتی می‌توانند اسلامی شدن را همراه با مردم‌سالاری دینی، در جامعه و تمدن و تاریخ، نهادینه سازند و توسعه و گسترش دهند:

احکام فقهی را دو جور می‌شود مورد مطالعه و ملاحظه قرار داد: یک جور احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد، منهای اینکه حالا این فرد در کجای عالم زندگی می‌کند، به‌عنوان یک فرد. یک‌وقت همین حکم فقهی را به‌عنوان یک بخشی یا کوچک یا بزرگ از چگونگی اداره یک جامعه، انسان بررسی می‌کند. اینها باهم متفاوت است. حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید؛ حتی مسئله طهارت و نجاست، حتی مسائل شخصی. یک وقت به‌عنوان یک جزئی از مجموعه اداره‌کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می‌شود. این یک جور است. یک‌وقت، نه مجرد از مجموعه اسلام، فقط به‌عنوان یک حکمی که برای یک فرد مطرح است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با روحانیان و مبلغان در تاریخ ۱۳/۲/۱۳۷۶).

نتیجه‌گیری

از مجموع مضامین سازمان‌دهنده و اصلی تحقیق نتیجه می‌شود که در منظومه فکری امام خامنه‌ای دامت‌تعالیه، همان‌گونه که در تحقق مرحله اول و دوم انقلاب اسلامی (انقلاب و نظام اسلامی)، ولایت فقیه و رویکرد فقه حکومتی ضروری و زیرساختی بوده‌اند، برای تکمیل و تحقق مراحل باقی‌مانده انقلاب (نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی) نیز مکتب مدیریتی «ولایت فقیه» و نرم‌افزار «فقه حکومتی» نقش اساسی و محوری دارد.

به عبارتی خلاصه‌تر، این‌گونه استنباط و توصیف می‌شود که هم «ولایت فقیه» و هم «فقه حکومتی» نقش مدیریتی و نرم‌افزاری بنیادین و زیرساختی در تشکیل و اداره تمدن نوین اسلامی دارند.



شبکه مضامین نقش بنیادین ولایت فقیه و فقه حکومتی در تمدن‌سازی نوین اسلامی

امام خامنه‌ای مسئله ولایت فقیه را مسئله مدیریت و حکومت بر جامعه در سطوح مختلف مبتنی بر دین الهی اسلام می‌دانند. اساساً اسلام حکومت را به «ولایت» تعبیر می‌کند و ولایت فقیه به معنای ولایت و حکومت یک شخص نیست. حکومت فقه است، نه حکومت افراد. از منظر دیگر فقه حکومتی در اندیشه و رفتار معظم‌له، نرم‌افزار کارآمد اداره همه‌جانبه مجموعه و دستگاه حاکمیتی در ابعاد مختلف است. تنها با ولایت فقیه و نرم‌افزار اصلی آن می‌توان دولت اسلامی و جامعه اسلامی را ساخت و در سایه آن تمدن‌سازی نوین اسلامی هم شدنی است.

تمدن‌سازی نوین اسلامی، هدف غایی و اصلی انقلاب اسلامی است و بر همین پایه

نمی‌توان در تحقق دولت و جامعه اسلامی، نقش ولایت فقیه و فقه حکومتی را کم‌اهمیت دانست. امام خمینی علیه السلام فقه شیعه را که عمیق‌ترین فقه اسلامی است، از «فقه فردی» به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ آنها باشد، هدایت کرد. وقتی قرار است اسلام در همه ارکان و ابعاد فردی و اجتماعی جامعه و حکومت نهادینه و اجرایی شود، نیازمند فقهی است که تمام حوزه‌های فقه را دربرگیرد. فقه فردی در واقع فقه حداقلی است و فقه حداکثری همان فقه حکومتی است. فقه حکومتی شامل فقه فردی هم می‌شود، ولی فراتر از آن است: «چو صد (فقه حکومتی) آید، نود (فقه فردی) هم پیش ماست.»

بعد از صد سال زحمت فقها و علمای بزرگ معاصر و ایثارگری‌های شهدا و مجاهدان، هنوز نوع اکمل و اتم ولایت فقیه و فقه حکومتی پیاده‌سازی نشده است. به‌رغم اینکه امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای دامت‌الله و فقها و علمای بزرگ معاصر برای تحقق فقه حکومتی، این واجب اساسی در حوزه فقه اسلامی، دغدغه‌ها و تلاش‌های زیادی تاکنون داشته‌اند، به دلیل نبودن حاکمیت فقه در چهل سال گذشته و همچنین غلبه فقه یا احکام فردی، هنوز فقه حکومتی، یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام، در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی، در نزد همه فقها و مردم اجرایی نشده است و تا تحقق فقه حکومتی در اجزا و ابعاد نظام، دولت و جامعه اسلامی و سرایت و جریان نظریه مدیریتی ولایت فقیه در همه نهادها، فاصله زیادی داریم و بر همین اساس باید در ابعاد نظری و عملی این موضوع کارهای زیادی انجام شود. بر همین اساس پیشنهادهایی تقدیم می‌شود:

عموماً در سطح جامعه و امت اسلامی و حتی بین نخبگان، «ولایت فقیه» فقط ناظر به سطح اداره کل جامعه و شخص ولی فقیه قلمداد می‌شود و برای اداره نهادها و سازمان‌ها سراغ نظریه‌های مدیریتی دیگر می‌رویم یا همه نهادها و سازمان‌های حاکمیتی کشور امور اداری و حاکمیتی خود را با محوریت ولایت فقیه تنظیم نمی‌کنند و دست‌گام رهبری ولایت فقیه تا سطوح خاصی امتداد می‌یابد. بنابراین تدوین سند یا دانشنامه «ولایت فقیه و فقه حکومتی» به‌عنوان مرجع، مکتب و نظریه اداره حکومت، جامعه و تمدن نوین اسلامی با همکاری

مشترک حوزه و دانشگاه لازم و ضروری است. تاکنون درباره ولایت فقیه منابع و مراجع علمی بسیاری تدوین شده و البته برای فقه حکومتی کتب و منابع کمتری تدوین شده است؛ ولی سند یا کتاب یا مرجعی که این دورا هم‌زمان و به‌عنوان نظریه مدیریتی اسلامی برای سطوح مختلف تبیین کرده باشد، مشاهده نمی‌شود. البته این سند باید به زبان‌های گوناگون ترجمه شود تا امت‌های اسلامی با این نظریه و مکتب مدیریتی آشنا شوند؛

وقتی امری یا موضوعی اساسی و زیرساختی است، پیگیری بیشتری برای تکمیل نیاز دارد. توسعه و تکمیل نظریه ولایت فقیه و فقه حکومتی باید بیشتر از وضعیت موجود و علاوه بر تبیین و گفتمان‌سازی توسط امامین انقلاب اسلامی، در سطح گفتمان‌سازی و ادبیات علمی نخبگان نیز توسعه یابد، این گفتمان‌سازی‌ها با محوریت دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی، شناخت‌ها و باورها را تقویت و درنهایت عزم‌ها و اراده‌ها را برای تکمیل و متمم مکتب مدیریتی ولایت فقیه و نرم‌افزار فقه حکومتی در سطح جامعه و امت اسلامی بیشتر می‌کند؛

نشان دادن نمونه‌ها و مصادیق کارآمدی نظریه ولایت فقیه و ولیّ فقیه در طول چهل سال گذشته در کشور و جهان که همراه با تحولات پیچیده و متلاطم و همراه با دشمنی‌های فراوان، موفقیت آن نزد خیرگان آشکار است؛

توسعه نرم‌افزاری و قانونی دستگاه ولایت فقیه در بین ارکان و نهادهای حاکمیتی (چه نهادهای حاکمیتی تحت اداره مستقیم ولیّ فقیه و چه نهادهای تحت اداره غیرمستقیم ولیّ فقیه)؛

برنامه‌ریزی هدفمندتر برای شروع هم‌زمان جامعه‌سازی مبتنی بر فقه حکومتی و تمدن‌سازی نوین اسلامی بر اساس فقه حکومتی و ولایت فقیه ضمن تأکید و تمرکز بر تکمیل جامعه‌سازی اسلامی (تکامل جامعه نمونه مبتنی بر فقه حکومتی و ولایت فقیه، سرعت تمدن‌سازی اسلامی مبتنی بر فقه حکومتی و ولایت فقیه را مضاعف و زیاد می‌کند).

کتابنامه

قرآن کریم.

اسلامی، رضا (۱۳۸۷). اصول فقه حکومتی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
اراکي، محسن (۱۳۹۱). «تدوین هنجارهای حکومت اسلامی»، سوره اندیشه، س ۱۸، ش ۵۸ و ۵۹، ص ۶۳-۶۴.

امام خامنه‌ای علیه السلام، حدیث ولایت (مجموعه بیانات، پیام‌ها و رهنمودها)، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف.
برنال، جان (۱۳۵۴). علم در تاریخ، ترجمه ح اسدپور پیرانفر و کامران فانی، تهران، امیرکبیر.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت، قم، اسراء.
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۸ق). الصحاح، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.

خرمشاد، محمدباقر (پاییز ۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، س ۶، ش ۲۳، ص ۱۲۷-۱۵۴.

ذوالفقاری، محمد و سیدمهدی سیدیان (۱۳۹۱). «فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی و چگونگی»، فصلنامه معرفت سیاسی، س ۱۴، ش ۱، ص ۴۹-۶۸.

رداد، محسن، اصغر افتخاری و جلال درخشه (۱۳۹۴). «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، دوفصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، س ۶، ش ۱۷، ص ۵۳-۷۲.

شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۱). «الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، دوفصلنامه اسلام و مدیریت، س ۱، ش ۱، ص ۷-۳۶.

ضیائی‌فر، سعید (۱۳۹۱). درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه (مجموعه مقالات و نشست‌ها)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

طباطبایی، سیداحمد، محمدحسن حاجی محمره و رضا مقیسه (۱۳۹۵). درآمدی بر فقه حکومتی و مدیریتی با محوریت اندیشه امام خامنه‌ای علیه السلام، تهران، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). بررسی‌های اسلامی، به کوشش هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

عابدی جعفری، حسن و همکاران (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰.

نقش نرم‌افزاری ولایت فقیه و فقه حکومتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی / سیداحمد خاتمی ۷۳

عرفان، امیرمحسن و علی بیات (تابستان ۱۳۹۳). «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، ش ۱۵، ص ۷-۳۰.

قوامی، سیدمصصام‌الدین (۱۳۹۱). فقه الاداره، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
_____ (۱۳۸۳). مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی.

کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۳). مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نی. مشکانی، عباسعلی (بهار ۱۳۹۲). فقه حکومتی؛ نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۰، ش ۳۲.

مشکانی، عباسعلی و عبدالحسین مشکانی (آذر ۱۳۹۰). «پارادایم فقه حکومتی با محوریت دیدگاه‌های آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (علیه‌السلام)»، فصلنامه معرفت، ش ۱۶۸، ص ۵۳-۷۶
موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه‌السلام).

_____ (۱۳۸۷). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه‌السلام).

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۹۰). وحی و نبوت؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران، صدرا.

میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۲/۳/۷). جلسات درس خارج، جلسه ششم، دسترسی در: www.mirbaqeri.ir

نرم‌افزار مطهر (نگارش ۳/۱) (بی‌تا). نمایه موضوعی و متن ۸۹ جلد از آثار علامه شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).